

بررسی فقهی الزام پیمانکاران نفتی به بیمه کردن چاه‌های نفت و گاز

مهدی صادقی شاهدانی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۲۱

محمد مهدی عسگری^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۲۲

مقصود ایمانی^۳

امیر ملکی نژاد^۴

چکیده

منابع طبیعی و انفال از مهم‌ترین منابع مالی حکومت اسلامی است. در این میان منابع هیدروکربوری نفت و گاز به علت تأمین انرژی صنایع مختلف و نیازهای روزمره خانوارها و ارزآوری فراوان برای کشورهای صادرکننده، اهمیت دوچندانی پیدا کرده است. بر اساس متون روایی و فقهی و معیارهای ارائه‌شده، میادین نفت و گاز جزء معادن باطنی و در رژیم حقوقی انفال قرار می‌گیرند و به لحاظ مالکیت در عصر غیبت وابسته به وجود یا فقدان حکومت اسلامی است، بدین معنی که در فقدان حکومت اسلامی و بسط ید فقیه جامع‌الشرایط این منابع به نفع شیعیان تحلیل شده است و در صورت تشکیل حکومت اسلامی در اختیار حاکم شرع گزارده شده است تا در راستای مصالح عامه مسلمان به مصرف برسد. در این راستا نوشتار حاضر درصدد است با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و با مراجعه به متون روایی و قواعد فقهیه (قاعده مصلحت و بناء عقلاء)، فرضیه الزام پیمانکاران نفتی به بیمه کردن چاه‌های نفتی را اثبات کند.

واژگان کلیدی: انفال، میادین و چاه‌های نفت و گاز، معادن ظاهری، معادن باطنی، بیمه چاه‌های نفت و گاز.

۱. دانشیار گروه اقتصاد انرژی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)،

Shahdani@yahoo.com

۲. دانشیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)،

Askari@isu.ac.ir،

۳. استادیار گروه اقتصاد انرژی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)،

Mzimani@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری رشته مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام

صادق (ع) (نویسنده مسئول)، A.maleki63@gmail.com

۱. مقدمه

انرژی همواره در طول زمان از جایگاه و اهمیت فوق‌العاده‌ای برای بشر برخوردار بود. هم‌زمان با انقلاب صنعتی، ضمن گسترش میزان و تنوع استفاده از انرژی، نقش سوخت‌های فسیلی در توسعه اقتصادی جوامع ارتقاء یافت. از آغاز انقلاب صنعتی تا نیمه اول قرن بیستم زغال‌سنگ بیشترین سهم را در مصرف انرژی جهان داشت. اما در نیم‌قرن اخیر بیش از پیش بر اهمیت نفت خام و گاز طبیعی افزوده شده است به طوری که هم‌اکنون مجموع سهم این دو سوخت در سبد انرژی جهان بیش از ۶۰ درصد است. در این میان اهمیت نفت خام به دلایل متعدد اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیک بیش از سایر انرژیها بوده است. در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران بالاترین ذخایر هیدروکربوری جهان را داراست. جایگاه نفت خام و گاز طبیعی در اقتصاد ایران بر کسی پوشیده نیست. سهم عمده درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت در بودجه کشور، وابستگی بخشهای تولیدی به انرژی ارزان و بسیاری نمونه‌های دیگر نشان‌دهنده جایگاه سوخت‌های هیدروکربنی در اقتصاد ملی یک کشور است (استیونس، ۱۳۹۰).

هر چند که تمامی بخشها و فرایندهای مرتبط با نفت از اهمیت بالایی برخوردارند ولی در این میان بخش حفاری در مرکز و هسته این صنعت قرار دارد چرا که بدون عملیات حفاری اصلاً نمی‌توان به مخازن نفتی رسید (Imran, 2013). حال هرچقدر عمق حفاری عمیق و عمیق‌تر می‌شود چالشهای مضاعفی برای موفقیت در حفاری به وجود می‌آید. علی‌الخصوص در حفاریهای خیلی عمیق حاشیه فشار (اختلاف بین فشار داخل سنگ مخزن و فشار لازم برای شکست سازند)^۱ خیلی کمتر و کمتر می‌شود (Fossli and Sangesland, 2002).

۱. شکست سازند حداکثر فشاری است که سازند تحمل می‌کند. اگر فشار هیدرواستاتیک بیشتر از این مقدار باشد، سازند شکسته شده و گل حفاری به درون شکستگیها نفوذ می‌کند.

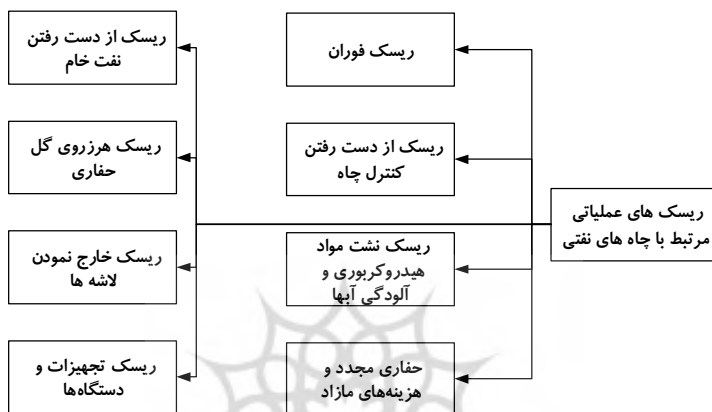
بر اساس آخرین آمار ارائه‌شده، در حال حاضر تعداد ۱۴۵ میدان هیدروکربنی و ۲۹۷ مخزن نفتی و گازی در ایران کشف شده است که در مجموع بیش از ۷۰۰ میلیارد بشکه نفت در جای و حدود ۱۵۷ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال دارند. ۱۰۲ عدد از این میادین، نفتی و ۴۳ عدد دیگر گازی هستند. ۷۸ عدد از این میادین فعال هستند که ۶۲ عدد از آنها در خشکی و ۱۶ عدد باقی‌مانده در دریا و در محدوده فلات قاره قرار دارند. بنابراین ۶۷ میدان باقی‌مانده نیز در حال حاضر غیرفعال هستند. از تعداد کل مخازن نیز ۲۰۵ مخزن نفتی و ۹۲ مخزن گاز طبیعی هستند (Opec, 2015). لازم به ذکر است که بر اساس آمار منتشره اپک، تا پایان سال ۲۰۱۵ تعداد ۲،۲۸۱ حلقه چاه تولیدی در ایران فعال بوده است.

رابطه صنایع بیمه و انرژی از بالا بودن درجه ریسک در فعالیتهای بخش انرژی و ماهیت فعالیتهای بیمه‌ای در زمینه ایجاد تأمین خاطر نشأت می‌گیرد (بیات، ۱۳۸۸).

ریسکهای مربوط به اکتشاف و حفاری جزء بزرگترین ریسکهای حوزه نفت و گاز محسوب می‌شوند زیرا در صورت وقوع یک اتفاق در حوزه حفاری و چاه‌های نفتی و به تبع آن آتش‌سوزی، تمامی تجهیزات و ماشین‌آلات نیز تحت تأثیر این نوع ریسکها قرار می‌گیرد. مثلاً به علت اشتباه یک تکنسین در سال ۱۹۸۸، و به دنبال آن انفجار و آتش‌سوزی گسترده و مهارنشدن در سکوی تولید نفت پاییر آلفا در دریای شمال جان ۱۶۷ تن را گرفت. مجموع خسارت‌وارده در اثر بروز این حادثه ۳/۴ میلیارد دلار برآورد شده است (Mohammadfam, 2010). تا به امروز از این فاجعه به‌عنوان بدترین حادثه در صنعت فراساحل، در بُعد تلفات انسانی یاد می‌شود. ماکوندو حادثه نفتی دیگری است که به علت فوران و از کنترل خارج‌شده چاه نفتی^۱ و در پی آن آتش‌سوزی عظیم در سال ۲۰۱۰ در خلیج مکزیک به وقوع پیوست و سکوی حفاری نفت دریا‌های عمیق هوریزون^۲ در آتش سوخت و خسارت حدود ۲۰ میلیارد دلاری

1. Blowout
2. Horizon

را برای شرکت بریتیش پترولیوم (BP) در پی داشته است (Macondo Report, 2011). مهم‌ترین ریسک‌های عملیاتی مرتبط با چاه‌های نفت و گاز در شکل ۱ نشان داده شده است (Sharp, 2010).



شکل ۱. مهم‌ترین ریسک‌های عملیاتی مرتبط با چاه‌های نفت و گاز

امروزه در کشورهای پیشرفته به علت اتفاقات مهلک و غیر قابل جبران، با هدف کاهش ریسک و مدیریت ریسک به جای استناد به قانونهای محدودکننده گذشته، شرکتهای نفتی وادار به اختصاص دادن منابع بیشتری به مسائل ایمنی شده‌اند (Dezhi peng, 1993).

برای بررسی فقهی الزام پیمانکاران نفتی به تهیه بیمه و پوشش ریسک‌های عملیاتی مربوط به میادین و چاه‌های نفتی اساساً باید در دو حیطه بررسی مفصل صورت گیرد. بحث اول مربوط به مصداق‌شناسی میادین نفت و گاز و به طور خاص مواد هیدروکربنی موجود در میادین نفت و گاز است. به عبارت دیگر به لحاظ فقهی باید بررسی کرد که آیا میادین نفت و گاز جزء انفال محسوب می‌شوند یا نه؟ به دنبال این موضوع، بحث مالکیت مطرح می‌شود. برای بررسی این موضوع باید فقه معادن به طور اعم و معادن نفت و گاز به طور خاص مورد بررسی و موشکافی فقهی قرار گیرد.

- بحث دوم بررسی فقهی الزام پیمانکاران نفتی به بیمه چاه‌ها و میادین نفت و گاز است. بنابراین این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ به سؤالات ذیل است:
۱. آیا میادین و چاه‌های نفت و گاز در قلمرو انفال قرار می‌گیرند؟
 ۲. در زمان غیبت و عدم دسترسی به امام معصوم، مالکیت انفال و به طور خاص مالکیت چاه‌ها و میادین نفت و گاز از آن کیست؟
 ۳. آیا به منظور حفاظت و صیانت از انفال، پیمانکاران نفتی را می‌توان ملزم به پوشش ریسک‌های مرتبط با چاه‌ها و میادین نفت و گاز کرد؟

۲. پیشینه تحقیق

ابراهیمی (۱۳۸۸) در مقاله خود به بررسی تعامل بین بخش بالادستی نفت و صنعت بیمه پرداخته است. ضرورتها و الزامات این تعامل در این مقاله مورد اشاره قرار گرفته است. بیات (۱۳۸۸) در مقاله خود عوامل مؤثر در تحکیم روابط بین دو بخش بیمه و انرژی را بررسی کرده است. ماحصل این بررسی پیشنهاد تشکیل شرکت تخصصی ارزیابی ریسک و بیمه است. درخشان (۱۳۸۹) بعد از مرور کوتاه بر ماهیت و گستردگی ریسک‌های موجود در بخش‌های مختلف صنایع نفت، گاز و پتروشیمی به راهکارهای توسعه پوشش‌های بیمه‌ای در این صنایع پرداخته و بر این نکته تأکید کرده که ضروری است اولاً دست‌اندرکاران صنعت بیمه را با ریسک‌های موجود در این صنایع آشنا کرد. ثانیاً صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ضمن تأکید بر خودبیمه‌گری^۱ بایستی با توان فنی و مالی صنعت بیمه داخلی بیشتر آشنا شوند و همکاری متقابل و سازنده‌ای را داشته باشند.

کوانمین^۲ و همکاران (۲۰۱۱)، ریسک‌هایی که در صنعت نفت و گاز به دلیل عوامل انسانی بوجود می‌آید را تشریح و روش‌هایی برای ارزیابی و کاهش ریسک حفاری

1. Captive Insurance
2. Quanmin

مرتبط با عوامل انسانی ارائه می کنند. نوسیا^۱ (۲۰۱۲)، با توجه به اتفاقات اخیر و حادثه‌های دریایی و نشت مواد هیدروکربنی به محیط دریا، به بیان مسئولیت هر یک از طرفین کارفرما، پیمانکار، بیمه و بیمه اتکایی و تبیین نقش بیمه در کاهش آلودگیهای نفتی پرداخته است، البته چارچوب تحقیق وی آبهای عمیق است. وی در این تحقیق ریسکها و بیمه‌های مرتبط با آلودگیهای مرتبط با انرژی را به تفصیل بیان کرده است.

پناهی آزاد و همکاران (۱۳۹۱) سعی کرده‌اند تا با شناسایی انواع بیمه‌های قابل کاربرد و شرایط و خصوصیات هر یک از بیمه‌نامه‌ها و همچنین شناسایی و بررسی شرکتهای ارائه‌دهنده این بیمه‌نامه‌ها، با انواع بیمه و شرایط هر یک از آنها آشنا شده و در مدیریت ریسک بتوان از این بیمه‌ها به طور مناسبی استفاده کرد. ایشان ادعا می‌کنند که امروزه بیمه علاوه بر انتقال ریسک اهمیت زیادی در تأمین مالی صنایع نفت و گاز و پتروشیمی دارد، اهمیت داشتن بیمه در این رویکرد به این دلیل است که در این رویکرد نسبت بدهی به سرمایه‌گذار بالاست.

ساکی زاده (۱۳۹۲) با مقایسه وضعیت بیمه نفت و گاز ایران با سایر کشورهای دنیا نتیجه می‌گیرد که هنوز مدیریت ریسک در این صنعت به‌روز نبوده و کماکان به صورت سنتی اداره می‌شود. او سعی کرده است که از طریق تحلیل منابع و امکانات و همچنین مشکلات پیش رو در صنعت نفت و گاز و بیمه و عدم تناسب آنها با یکدیگر در کشورمان، به علل این معضل بپردازد.

بی‌شک عوامل متعددی در توسعه یا رکود یک پدیده دخیل هستند ولی تا زمان وقوع مشکلات و موانع، عزمی جدی جهت شناسایی آنها وجود ندارد. در این مقاله برخی از این مشکلات بررسی شده و راه‌های برون رفت از آنها نیز پیشنهاد شده است. متأسفانه در زمینه بررسی فقهی الزام پیمانکاران نفتی به بیمه کردن چاه‌های نفت و گاز هیچ‌گونه پژوهشی صورت نگرفته است بنابراین مصداق‌شناسی میداین نفت و گاز و

تعیین قلمرو حقوقی آن و همچنین اثبات الزام پیمانکاران نفتی به بیمه کردن چاه‌های نفت و گاز از جمله نوآوریهای این تحقیق محسوب می‌شود.

۳. مبانی فقهی ماهیت میادین نفت و گاز (معادن ظاهری و باطنی)

میادین نفت و گاز بلاشک جزء معادن محسوب می‌شوند و در معدن بودن میادین نفت و گاز اختلافی بین عقلا و فقها وجود ندارد. مهم‌ترین بحث در زمینه میادین نفت و گاز نظام مالکیت و آثار مترتب بر آنست. در منابع فقهی، منابع و ثروتهای طبیعی که از زمین استخراج می‌شود به دو بخش تقسیم شده است (امانی، ۱۳۸۹؛ ص ۴۱):

۳-۱. معادن ظاهری

معادن ظاهری عبارتست از معدانی که روی زمین قرار دارد و یا تا سطح زمین فاصله چندانی ندارد. محقق کرکی (۱۴۰۸ ق، ج ۷، ص ۳۹) در تعریف معادن ظاهری بیان می‌دارد: «المراد بالمعادن الظاهره ما یکون علی وجه الارض و لا یتوقف الوصول الیها علی عمل». طبق این نظر فقهی ملاک تشخیص معدن ظاهری آنست که ماده معدنی روی زمین بوده و دستیابی به آن نیازمند عمل اضافی و یا هزینه نباشد. البته ایشان در موضع دیگری در تعریف معادن ظاهری، معیار را عدم نیاز به مؤونه در تحصیل ماده معدنی دانسته است مانند نمک (محقق کرکی، ۱۴۰۸ ق، ج ۷، ص ۴۱). برخی از فقها نیز در تعریف معدن ظاهری گفته‌اند: «مراد از معدن ظاهری آنست که جوهر ماده معدنی بدون انجام عمل اضافی ظاهر شود، هر چند که سعی و عمل برای تحصیل ماده معدنی ممکن است سخت و یا آسان باشد» (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۲، ص ۴۳۸).

بنابراین مطابق این دیدگاه فقهی ملاک در تمییز معدن ظاهری آنست که دستیابی به این معادن نیاز به کار جدیدی مانند پالایش ناخالصیها و مانند آن نداشته باشد بلکه جوهر معدنی آن به صورت طبیعی آشکار باشد. برای نمونه نمک و نفت را مثال می‌زنند زیرا در صورت دستیابی به مخازن نفتی نیازی به انجام عملیات اضافی جهت تبدیل ماده استخراج شده به نفت نداریم بلکه آنچه که استخراج می‌شود در حالت طبیعی خود نفت است هرچند اکتشاف و دسترسی به مخازن نفتی نیازمند سعی و

تلاش بسیار زیادی باشد (صدر، ۱۹۸۷م، ص ۶۸)، و بعد از اکتشاف هم برای استفاده‌های گوناگون از فراورده‌های نفتی نیاز به تصفیه داشته باشیم.

۳-۲. معادن باطنی

معدن باطنی همان‌طور که از نامش پیداست به معادنی گویند که ماده استخراج شده از معدن برای ابراز خصایص معدنی‌اش نیازمند انجام فعل و انفعالاتی باشد، مانند آهن و طلا. زیرا در معادن آهن و طلا، آهن و طلای ناب و خالص یافت نمی‌شود، بلکه به طور معمول آهن و طلا با مواد دیگری آمیخته است که به دست آوردن آهن و طلا از آن نیازمند تلاش فراوان است (صدر، ۱۹۸۷م، ص ۶۹).

اگرچه به نظر می‌رسد در کلمات غالب فقهایی که تعریف فوق برای معدن باطنی را ارائه داده‌اند نفت و گاز جزء معادن ظاهری محسوب می‌شود لیکن در این میان باید توجه داشت که اولاً سابقه استخراج نفت از اعماق زمین و صرف هزینه‌های گزاف برای این امر در خاورمیانه و طبعاً آشنایی فقها با آن حتی به صدسال هم نمی‌رسد و ثانیاً کاربرد نفت در زمانهای قدیم با استفاده‌هایی که هم‌اکنون از آن می‌شود به مراتب تفاوت کرده است. به‌عنوان مثال فقها آهن و طلا را به جهت نیاز به تصفیه در زمره معادن باطنی و از طرفی نفت و گاز را از معادن ظاهری دانسته‌اند، زیرا در گذشته نفت به صورت مایع سیالی در برخی مناطق در سطح زمین جریان داشت در حالی که امروزه نفت از مخازن نفتی اعماق زمین استخراج می‌شود و از طرفی نفت تصفیه نشده مورد استفاده چندانی ندارد و در اغلب موارد باید تصفیه شود. به هر حال امروزه هر دو معیار فقها در ظاهری دانستن نفت دستخوش دگرگونی شده است چه آن که اولاً در قریب به اتفاق موارد، نفت از اعماق زمین استخراج می‌شود بنابراین ملاکی که معادن سطح‌الارضی را ظاهری می‌دانست قابل تمسک نیست و از سوی دیگر در بسیاری از مخازن، نفت استخراج شده به جهت همراه داشتن گاز، نمک، سولفور و آب نیاز به تصفیه برای تبدیل شدن به مواد قابل استفاده همانند مازوت و یا نفت کوره و ... را دارد، بگذریم از آن که نفت به دست آمده از این طریق برای استفاده نهایی باید در

پالایشگاه‌ها مجدداً تصفیه شود کما اینکه در خصوص آهن، مس و سایر مواردی که در کلام فقها بالاتفاق از معادن باطنی دانسته شده است، همین روش یعنی استخراج ماده خام در معدن و جداسازی آهن یا مس از مواد زاید در کارگاه استفاده می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد معیار دوم فقها نیز در تعیین معادن ظاهری بر نفت انطباق ندارد و امروزه دخول نفت تحت عنوان معادن باطنی با معیارهای ارائه شده توسط ایشان هم‌خوانی بیشتری دارد (امانی، ۱۳۸۹، ص ۴۳).

نکته دیگری که در خصوص تعریف معدن ظاهری در کتب فقهی قابل توجه است، لزوم انجام عملیاتی برای احیا و استخراج است که در خصوص معادن ظاهری به زعم این دسته از فقها کاربرد ندارد، از این استدلال ایشان چنین برداشت می‌شود که علی‌القاعده معدنی مانند نفت که در روزگار ما استخراج آن هزینه‌های گزاف دارد نمی‌تواند با این وحدت ملاک در زمره معادن ظاهری واقع شود (امانی، ۱۳۸۹، ص ۴۴).

۳-۳. دخول معادن نفت و گاز تحت رژیم انفال

فقه‌های امامیه درباره مالکیت منابع طبیعی به طور کلی و معادن به طور خاص نظریات متفاوتی دارند که حداقل چهار نظریه درباره مالکیت معادن وجود دارد که برخی می‌گویند، معادن به طور مطلق جزء انفال و ملک دولت اسلامی است و برخی دیگر از فقها به طور مطلق از مباحات عامه و از مشترکات عمومی می‌دانند که همه افراد می‌توانند به اندازه نیازشان از آنها استفاده و بهره‌برداری کنند و گروه سوم بر این باورند که معدن در ملکیت، تابع زمینی است که در آن کشف می‌شود و تنها زمانی که در اراضی انفال و دولتی باشد ملک دولت اسلامی است، اگر در اراضی که متعلق به عموم مردم است کشف شود، مثل اراضی مفتوح‌العنونه متعلق به همه مسلمانان است و اگر در اراضی شخصی کشف شود ملک صاحب زمین است و گروه چهارم قایل به تفصیل هستند و می‌گویند، معادن اگر باطنی باشد جزء انفال و ملک دولت اسلامی و اگر ظاهری باشد از مباحات عامه و مشترکات عمومی است.

در مورد مالکیت معادن باطنی باید ذکر کرد همان‌طور که در بخش قبل ذکر شد در تعریف معادن باطنی دو قول وجود دارد: مطابق قول اول معادن باطنی معادنی هستند که ماده استخراج‌شده از آنها نیاز به عمل فراورش و تصفیه دارد مانند معادن طلا و آهن و مانند آن و در قول دوم معادن باطنی آنهایی هستند که در طبقات و لایه‌های زیرین زمین قرار دارند و استخراج و دستیابی به آنها مستلزم صرف هزینه و عملیات فراوان است.

در خصوص آن دسته از معادن باطنی که نزدیک سطح زمین هستند همان حکم معادن ظاهری اعمال می‌شود. و در خصوص مالکیت این معادن گفته‌اند اینها نیز مانند معادن ظاهری به واسطه احیا قابل تملک نیست و تصرف در آنها منوط به اذن امام است. ولی در خصوص معادن باطنی که در اعماق زمین قرار دارند به مانند آنچه که امروزه از میادین نفت و گاز وجود دارد قول مشهور دخول این معادن در رژیم مالکیت انفال است. در خصوص مالکیت این معادن گفته‌اند که «در فقه امامیه این دسته از معادن جزء انفال و متعلق به امام است، فلذا امام می‌تواند آن را به هر کس که صلاح می‌داند اقطاع کند، زیرا به مصالح امور آگاه است اما در زمان غیبت امام، سلطان (حاکم) فقط در صورتی می‌تواند آن را به اقطاع واگذار کند که منجر به ضرر و زیان به عموم مسلمین نباشد» (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۰۴).

۳-۳-۱. روایات دال بر دخول معادن در انفال

روایات متعددی در تأیید دخول معادن در انفال وجود دارد که در این قسمت به مهم‌ترین و مشهورترین این روایات پرداخته می‌شود:

۱. موثقه اسحاق بن عمار: از امام صادق(ع) درباره انفال پرسیدم، فرمود: انفال عبارت‌اند از: آبادیهایی که خراب شده و ساکنانش رفته‌اند، از آن خدا و پیامبر است، و اموالی که تعلق به پادشاهان داشته، برای امام است، و زمین مخروبه‌ای که بدون جنگ و لشکرکشی، به تصرف درآمده و تمام زمینهای بی‌صاحب و معادن، از انفال هستند و هر شخص بی‌سرپرستی که بمیرد، مال او از انفال است (الحر العاملی، ۱۳۷۶ ج ۶، ص

۱۷۳). راوی از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند که مراد از انفال چیست؟ حضرت انفال را می‌شمارند تا آنجا که می‌فرماید «والمعادن منها» که ضمیر «ها» چه به انفال برگردد و چه به «کل ارض لا رب لها» نتیجه این است که معادن از جمله انفال هستند. بنابراین روایت از نظر سند و از نظر دلالت عالی است (مظاهری، ۱۳۶۷، ص ۱۰۵).

۲. مرسله ابی بصیر: امام باقر(ع) فرمود: برای ماست انفال. عرض کردم: انفال چیست؟ فرمود: معادن، بیشه‌ها، همه زمینهای بی‌مالک، و هر زمینی که ساکنانش از بین رفته باشند، از انفال هستند (الحر العاملی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۷۳).

۳. مرسله داود بن فرقد: از امام صادق(ع) پرسیدم: انفال چیست؟ فرمود: دل بیابانها، سرکوه‌ها، بیشه‌ها، معادن و هر زمینی که بدون جنگ و لشکرکشی، تصرف شده باشد، هر زمین مواتی که ساکنانش رفته باشند و زمینهایی که پادشاهان، به اشخاص واگذار کرده‌اند (الحر العاملی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۷۳).

۴. تحلیل فقهی الزام شرکتهای نفتی به بیمه کردن میادین و چاه‌های نفتی

حال که مشخص شد میادین نفت و گاز در رژیم حقوقی انفال قرار می‌گیرد در وهله اول باید نظام مالکیت انفال در زمان حضور معصوم و در زمان غیبت و همچنین جهت استفاده آن مشخص و در وهله دوم باید بررسی شود که آیا برای حفظ و صیانت از انفال می‌توان شرکتهای نفتی را ملزم به بیمه کردن چاه‌ها و میادین نفتی کرد. چنان‌که از احادیث وارده در بحث انفال پیداست، تمام معادن و نیزارها و جنگلها، از قتل مرتفع کوه‌ها تا عمق دره‌ها و رودخانه‌ها، هر سرزمینی که تصرف نشده و اسب و استری بر آن ندوانیده‌اند و نیز اماکنی که اهالی آنها از بین رفته‌اند و صاحبی ندارند یا مردم آنها را ترک کرده‌اند و در نتیجه ویران شده‌اند و خلاصه، تمام اجناس قیمتی و خالصه‌جات متعلق به پادشاهان، همه جزء انفال هستند (الحر العاملی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۷۱-۳۷۳)؛ تا جایی که در برخی روایات، ارث کسی که بمیرد و وارثی نداشته باشد، جزء انفال شمرده شده است و در اختیار خدا و رسولش قرار داده شده است (الحر العاملی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۶۵). مرحوم صاحب جواهر نیز بر این اعتقاد است و به نقل از

«المتتهی»، نظر جمیع علمای شیعه را همین گونه نقل می‌کند (صاحب جواهر، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۱۲۸).

۴-۱. انفال در زمان حضور معصوم

آن‌طور که آیه یک سوره انفال به صراحت دلالت دارد، انفال از آن خدا و رسول است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان می‌کند:

«انفال تماما مال خدا و رسول او است و احدی از مؤمنین در آن سهم ندارد؛ چه غنیمت جنگی باشد چه فیء. این آیه مردم را در استفاده‌ای که از عبارت فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ کرده و پنداشته بودند که مالک انفال هم هستند، تخطئه کرده و مالکیت انفال را به خدا و رسول مختص نموده است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹ ص ۱۰).

«جمله قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ، یک حکم عمومی را متضمن است که به عموم خود، هم غنیمت را شامل می‌شود و هم سایر اموال زیادی جامعه را؛ و از همه این انواع، تنها غنیمت جنگی متعلق به کسانی است که به امر پیامبر جهاد می‌کنند و بقیه تحت مالکیت خدا و رسول او باقی است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۹).

«بحثی نیست در این که انفال ملک پیامبر صلی الله علیه و آله است، چنان که کتاب و سنت و اجماع بر آن دلالت می‌کند، و بعد از آن متعلق به قائم مقام اوست، و به اخباری که مشعر بر تقسیم نصف آنها برای مردم و نصف برای پیامبر است، اعتباری نیست؛ چون یا باید تقسیم را بر فضل حمل کرد یا چنان که در «حدائق» آمده، روایت را حمل بر تقیه نمود، یا با توجه به دلایلی که گفتیم روایت را به دور انداخت و احتمال تأیید روایت به آیه انفال که مقتضی تشریک بین مردم و خدا بوده و سهم خدا در راه خدا مصرف شده و سهم الناس به امام اختصاص یابد، به دلایلی که ذکر شد، قابل اعتنا نیست.» (صاحب جواهر، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۱۳۳).

پس در این که انفال از آن خدا و رسول است، بحثی نیست و نیز گفتیم که به خاطر شوون حکومتی، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به امام می‌رسد و بدون اذن

او، کسی حق تصرف ندارد؛ اما این بحث باقی است که در زمان غیبت امام علیه السلام تکلیف انفال چیست و تصرف در آن چگونه است؟

۴-۲. انفال در زمان غیبت معصوم

برای پی‌بردن به مالکیت انفال در زمان غیبت باید مفهوم «تحلیل» مورد بررسی قرار گیرد. فقهای امامیه در متون فقهی خود مسئله تحلیل را در باب انفال مطرح کرده‌اند. مقصود از تحلیل آن است که گرچه انفال از آن امامان - علیهم السلام - است، اما آنان تصرف در آن‌ه را - در قلمروی خاص و یا به طور مطلق - برای شیعیان و یا ... مباح و جایز دانسته‌اند، این مسئله در فقه از شهرتی خاص برخوردار است (سعدی، ۱۳۸۸؛ ص ۲۱۰).

مهم‌ترین حکمی که از سوی امامان معصوم - علیهم السلام - در این باره صادر شده، تحلیل انفال برای شیعیان است. بر پایه روایات متعددی که از ائمه - علیهم السلام - رسیده انواع زمینها و برخی دیگر از انفال برای شیعیان مباح اعلام شده است. به‌عنوان نمونه در روایتی که به لحاظ سند صحیح است از امام صادق - علیه السلام - چنین نقل شده: «عمر بن یزید می‌گوید: مسمع را در مدینه دیدم، او مالی را نزد امام صادق - علیه السلام - برده و آن حضرت آن مال را به وی برگردانده بود. به مسمع گفتم: چرا امام مالی را که برای ایشان بردی بازگردانیدی؟ گفت: من به آن حضرت عرض کردم هنگامی که در بحرین سرپرستی صید مروارید را داشتم چهارصد هزار درهم به دست آوردم و اکنون خمس آن، هشتاد هزار درهم است که آن را برای شما آورده‌ام و دوست ندارم که آن را به شما نرسانم و این مال حق شماست که خداوند در اموال، قرار داده است. آن حضرت فرمود: ای ابا سیار! ... همه زمین از آن ماست و آن چه از آن به دست می‌آید، از آن ماست. ابا سیار می‌گوید به حضرت عرض کردم: من همه این مال را برای شما خواهم آورد. فرمود: ای ابا سیار! این مال را برای تو پاکیزه و حلال کردیم؛ پس مالت را بردار و با خود ببر و [بدان] که همه زمینهایی که در اختیار شیعیان ما قرار دارد برای آنان حلال است تا زمانی که قائم ما قیام کند که در

آن هنگام از آنان خراج خواهد گرفت، اما خود زمین را به آنان واگذار خواهد کرد ... « (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۳۷). از این روایت و روایات متعدد دیگر استفاده می‌شود که ائمه - علیهم السلام - استفاده از زمین را برای شیعیان حلال کرده‌اند.

نتیجه این تحلیل آن است که هر زمان حکومت اسلامی و مشروع بر سر کار باشد، تصرف در انفال و زمینها جایز نیست؛ زیرا نمی‌توان به روایات یادشده برای این تصرف استناد جست، به عبارت دیگر در زمان بسط ید فقیه که حکومت مشروع است امر انفال به دست والی مسلمین است که با توجه به مصالح مسلمین آن را هزینه کند. اما هرگاه حکومت نامشروع بر سر کار باشد و همان شرایط مشابه زمان عباسیان و امویان تکرار شود، تصرف در زمینها و انفال برای شیعیان مباح است؛ زیرا همان مصلحت که در زمان ائمه (ع) بوده است، در این شرایط نیز وجود دارد (سعدی، ۱۳۸۸؛ ص ۲۱۴).

به عبارت دیگر، از روایات تحلیل، بعید نیست، استفاده شود که هرگاه حکومت غیراسلامی در جامعه استقرار یابد، از آنجا که مشروع نیست و حق تصرف در انفال را ندارد، انفال برای شیعیان مباح دانسته شده است. اما هرگاه حکومت اسلامی استقرار یابد، لازم است در چارچوب قوانین حکومت در این زمینها تصرف شود و کسی حق ندارد بدون اجازه مسئولان و فراتر از قانون در انفال تصرف کند.

لازم به ذکر است که با توجه به روایات ذکرشده و استدلهای فقهی، منظور از مالکیت در اینجا به معنای تصدی و مدیریت است و در زمان عدم وجود امکان تصدی و مدیریت، مالکیت انفال به شیعیان اباحه شده است. به عبارت دیگر غیبت به معنای عدم تصرف است نه به معنای عدم حضور؛ و بر همین اساس دوره امامان تحلیل جاری بوده ولی در عصر تحقق حکومت عادلانه تحلیل پذیرفته نیست و در زمان بسط ید فقیه جامع شرایط مالکیت انفال در اختیار اوست (سعدی، ۱۳۸۸؛ ص ۲۳۶)

با توجه به مباحث ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که انفال در زمان غیبت معصوم (عدم دسترسی به حکومت ائمه) بر شیعیان حلال و مباح شده است و ایشان می‌توانند

در آن تصرف کنند ولی در صورت وجود حکومت اسلامی و بسط ید فقیه جامع‌الشرایط، مالکیت انفال در اختیار اوست تا این اموال را در راستای مصالح مسلمین به مصرف برساند.

۴-۳. صیانت از انفال

در ج.ا. ایران بر اساس قانون اساسی اختیار انفال بر عهده حاکم شرع و ولی فقیه است تا این اموال را در راستای منافع مسلمین به کار گماشته و سود و منافع آن به عموم مسلمین برسد. در قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ نیز میادین نفت و گاز به صراحت جزء انفال شمرده شده و اختیار آن به ولی فقیه سپرده شده است و بدون اذن حاکم شرع، کسی حق دخالت و بهره‌برداری در این امور را ندارد. بعد از انقلاب اسلامی و به طور خاص بعد از جنگ تحمیلی تمامی قراردادهای بالادستی نفت و گاز اعم از حفاری، اکتشاف، توسعه و تولید همگی به صورت بیع متقابل منعقد شده است و در قراردادهای بیع متقابل صریحاً ذکر شده است که مالکیت مخازن نفت و گاز از آن دولت اسلامی به نمایندگی از حاکم شرع است و تمامی پیمانکاران نفتی به صورت قراردادهای خدمت^۱ در این پروژه‌ها فعالیت می‌کنند. لزوم صیانت و حفاظت از میادین نفت و گاز که در رژیم حقوقی انفال قرار می‌گیرند بر کسی پوشیده نیست ولی در اینجا برای اثبات آن به چند ادله فقهی استناد می‌شود:

۴-۳-۱. قاعده مصلحت

مصلحت یکی از مهم‌ترین ضوابط احکام حکومتی است که فقها از دیرباز بدان پرداخته‌اند و آن را از ضوابط و تصمیمهای مربوط به بیت‌المال و حکومت دانسته‌اند و در واقع، حکومت را بر پایه مصلحت استوار ساخته‌اند.

قاعده مصلحت در فقه شیعه، مبتنی بر نظریه فقهی احکام حکومتی است که بسیاری از فقها آن را در اجرای امامت نیابی در زمان غیبت پذیرفته‌اند و به تعبیری دقیق‌تر، اسلام مبانی، اصول، ارزشها و چارچوبهای ضابطه‌مندی برای سامان‌دادن مصلحت ارائه داده است

که قابلیت سامان‌یافتن تحت قواعد کلی را دارد (قدیر و ساریخانی، ۱۳۹۰). مفهوم مصلحت در مقابل مفسده و اعم از منفعت است. غزالی در تبیین مفهوم مصلحت بر این باور است که مصلحت، محافظت بر مقصود شرع و اهداف شریعت است که محافظ دین، نفس، عقل، نسل و مال مردم است. بنابراین، هر چیزی که متضمن حفظ این اصول پنجگانه شود مصلحت است و هر چیزی که باعث تضعیف آنها شود مفسده است (غزالی، ۱۴۱۷ق). مروری بر متون دینی نشان می‌دهد که به طور کلی امام، ولی یا حاکم، مسئولیت تشخیص مصالح را بر عهده دارد. در برخی از موارد نیز تشخیص مصالح به عرف واگذار شده است. امام خمینی معتقد است حاکم اسلامی (ولی فقیه) در سایه کارشناسی متخصصان این وظیفه را عملی می‌کند (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۹۸). در اینکه مبنای تصرفات و اعمال ولایت ولی امر و صدور احکام حکومتی، تنها تقدم مصلحت نظام و لزوم استیفای آن است، جای تردید نیست و مصلحت، مبنای صدور حکم حکومتی است (حقدار، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۹۴).

در زمینه انفال و ثروتهای طبیعی نیز باید منفعت کل جامعه و در شأن اجل و بالاتر مصلحت اسلام و مکتب در نظر گرفته شود. باید از منظری بسیار بالاتر از آنچه تاکنون نگریسته می‌شد بررسی و نظارت صورت پذیرد که در غیر این صورت به هیچ‌وجه نمی‌توان اظهار داشت که هدف شرع مقدس و قانون مترقی اساسی مبنی بر «مصلحت عمومی جامعه» تامین شده است.

همان‌طور که قبلاً ذکر شد ثروتهای طبیعی زیر مجموعه انفال، در اختیار امام و سرپرست مسلمانان است تا مطابق مصلحت مسلمانان از آن استفاده کند. برخی فقها معتقدند افراد در مورد این منابع تنها حق بهره‌برداری دارند و مالک نمی‌شوند. بر همین اساس در صورتی که این منابع راکد بماند و یا مصلحت اهم اجتماعی در کار باشد حاکم می‌تواند آنها را گرفته و در اختیار افراد دیگری قرار دهد و یا خود مستقیماً به بهره‌برداری پردازد (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۵).

در متون دینی، درآمد دولت از محل انفال و منابع طبیعی متعلق به همهٔ مسلمین است. توضیح اینکه علاوه بر نسل فعلی، نسلهای آتی نیز مورد توجه بوده‌اند، در متون دینی یک سند بسیار مهم وجود دارد که صریحاً به جایگاه نسلهای آتی در بهره‌برداری از منابع طبیعی اشاره کرده است: «بنا بر صحیحۀ حلبی از امام صادق پرسیده شده است: حکم و جایگاه زمینهای سواد^۱ چیست؟ حضرت فرمود: این زمینها متعلق به همهٔ مسلمانان است، چه آنان که امروز هستند و چه آنان که در آینده به اسلام درآیند و چه آنان که هنوز آفریده نشده‌اند. پرسیدیم: اگر [حاکم] زمین را از او [بهره‌بردار] گرفت؟ فرمود: سرمایه او را بدو برمی‌گرداند و آنچه در برابر کار خویش از محصول زمین خورد بر او رواست» (الحر العاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۷).

این سند به صراحت نقش و جایگاه نسلهای آتی را در خصوص منابع طبیعی نشان می‌دهد. به این ترتیب در استفاده از این منابع، لازم است نه تنها مصالح نسل فعلی بلکه مصالح نسلهای بعد نیز مدنظر قرار گیرد. در نتیجه یک نسل اجازه ندارد تا با بهره‌برداری غیرصیانتی باعث تخریب و اتلاف منابع شده و نسلهای آتی را از دسترسی به این منابع محروم کند. بهره‌برداری از منابع طبیعی باید به گونه‌ای باشد که به حفظ و بقای «ثروت طبیعی» بیانجامد. زیرا بدون حفظ «ثروت طبیعی» تعلق آن به نسلهای آتی بی‌معنی خواهد بود.

آیت الله جوادی آملی معتقد است معدن که جزء انفال است نحوه و صبغۀ ملکیت آن، ملکیت سرمایه است. معدن، جزء سرمایه و برای سرمایه است. از این رو از آن تنها در حد ضرورت می‌توان بهره برد. سرمایه باید به سرمایه تبدیل شود. آن کس که سرمایه را به جای درآمد صرف کند زیان می‌بیند. تنها آنجا که ضرورت ایجاب کند می‌توان از سرمایه به جای درآمد بهره برد (جوادی آملی، ۱۳۸۰).

۱. لغت سواد از مصدر سیاهی است. اراضی سواد اصطلاحاً به زمینهای عراق اطلاق می‌شد که به دلیل پوشش گیاهی، نخلستانها، بستانها و درختان متراکم از شدت سرسبزی سیاه به نظر می‌رسید.

همچنین لازم به ذکر است اصل چهل و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ضمن برشمردن موارد انفال و ثروتهای عمومی از جمله جنگلها و مراتع ملی شده می‌گوید اینها در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل کند^۱. بنابراین حاکم اسلامی نه تنها باید تمامی توان و تلاش خود را به منظور جلوگیری از اتلاف و هدر رفت انفال و منابع طبیعی به کار گیرد بلکه باید به این نکته اشراف داشته باشد که این منابع بصورت کارا و با حداکثر بهره‌وری ممکن به کار گرفته شود و تا حد امکان علاوه بر منافع نسل فعلی، منافع نسل آتی را نیز مدنظر قرار دهد.

۴-۳-۲. بناء عقلاء

دومین دلیل بر لزوم صیانت از انفال و چاه‌های نفت و گاز بناء عقلاست. سیره عقلا عبارتست از شیوه عملی و یا ارتکازات درونی همه عقلائی عالم فارغ از تفاوت‌های مکانی، زمانی و گرایش‌های دینی و مذهبی در برخورد با یک واقعه که آن روش را مفید و نیک تشخیص بدهند (جاویدی، ۱۳۹۲). در باب صیانت از اموال، بناء عقلا بر این است که بر مالکیت اشخاص نسبت به اموال خود احترام بگذارند و در جهت حفاظت و صیانت از آن اهتمام ورزند و کسی حق ندارد مالکیتی که برای یک فرد اعتبار شده است را بدون دلیل از بین ببرد. *مرکز ملی پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک*
مرکز ملی پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک
مرکز ملی پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک
انسان به‌عنوان یک موجود اندیشمند به محض آنکه به مدد عقل و اندیشه و در جهت رفع نیازهای زیستی بر محیط پیرامون خود چیرگی یافت و به یمن خردمندی خود از اشیای گوناگون طبیعت برای دستیابی به نیازمندیهای متنوع خویش بهره گرفت

۱. اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

و در این مسیر به تغییر شکل آنها مبادرت کرد و از آنها ابزار مناسب برای رفع نیازهای خود ساخت و به عبارتی، با حیات مباحات و صرف نیروی اندیشه و کار به تصرف اشیا مبادرت کرد، به حکم عقل، خویشتن را مالک آن دانسته، حق هرگونه تصرف در آن را برای خود امری مسلم و تردیدناپذیر می‌پنداشت و به همین لحاظ هرگاه دیگران را مزاحم تصرفات خود می‌دید یا اشیای تحت تصرف خود را در معرض تصرف دیگران می‌یافت، همان‌طور که برای صیانت جان خود به مقابله برمی‌خاست، به حفاظت از اشیای تحت تصرف خود نیز اقدام می‌کرد. این روش در میان همه نژادهای انسان و در تمام جوامع بشری جاری بوده و ادیان و مذاهبی که برای هدایت بشر آمده‌اند، به تأیید و امضای این امر اقدام کرده‌اند. این موضوع به قدری بدیهی است که حتی در جوامع دارای ایدئولوژیهای غیرالهی و مدعی لغو مالکیت خصوصی نیز به خوبی مشهود و انکارناپذیر است. اگرچه در ممالک سوسیالیستی به ظاهر مالکیت خصوصی لغوشده و برای افراد جامعه به‌عنوان اعضای آن مالکیتی قائل نیستند، لاقلاً در محدوده همان اشیا و اموال بسیار اندک تحت تصرفشان، این قاعده حاکم و جاری است؛ زیرا افراد به دیگران اجازه نمی‌دهند نسبت به لباس یا اشیای تحت اختیار آنان تصرفی کنند و در مقابل، برای خود حق همه نوع تصرف را نسبت به آنها قائلند. در این بنای عقلا فرقی بین اشخاص حقیقی و حقوقی وجود ندارد. همان‌طور که افراد حقیقی به صیانت و حفاظت از اموال خود مبادرت می‌ورزند اشخاص حقوقی نیز باید به حفاظت و صیانت از اموالی که در اختیار آنان گزارده شده است مبادرت ورزند و از اتلاف و هدررفت آن جلوگیری کنند.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بنابراین با توجه به مطالب ارائه‌شده مشخص شد که میادین نفت و گاز که امروزه از اهمیت والایی برخوردارند جزء معادن باطنی هستند که در رژیم حقوقی انفال قرار می‌گیرند. دولت و یا حاکم شرعی که اختیار انفال و منابع طبیعی و عمومی را در اختیار دارد باید به منظور رعایت مصالح مسلمین و حفظ منافع نسلهای آتی به حفظ و

نگهداری از این منابع مبادرت ورزد. حفاظت از اموال به عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است و هرگونه ضرر و زیان به اموال دیگران مجاز نیست. حاکم شرع نیز که اختیار انفال را بر عهده دارد از این قاعده مستثنی نیست چرا که وی نیز ضامن حفاظت و نگهداری این اموال و مصرف آنها در راستای منافع و مصالح مسلمین است و باید تمامی تلاش خود را در راستای حفاظت و محافظت از آنها را انجام دهد.

امروزه یکی از راهکارهای حفاظت و نگهداری از اموال، بیمه کردن آنهاست. در اکثر کشورهای پیشرفته اروپایی و آمریکایی، تمامی پیمانکاران نفتی که به فعالیت اکتشاف و حفاری می‌پردازند بایستی تمامی چاه‌های نفت و گاز را بیمه کنند و بدون ارائه بیمه‌نامه مربوط به چاه‌های نفت و گاز اجازه فعالیت اکتشاف و حفاری به آنان داده نمی‌شود و از آنجا که خسارتهای وارده در بخش حفاری چاه‌های نفت و گاز بسیار بزرگ و هنگفت است و معمولاً از عهده و توان شرکتهای پیمانکاری خارج است، بنابراین بیمه یکی از راهکارهای عقلایی برای نگهداری و تضمین جبران خسارت‌های رخ داده است.

منابع

۱. ابراهیمی، س.ن.ا، ۱۳۸۸. ضرورت تعامل متقابل بیمه‌گران و بیمه‌گذاران در اجرای پروژه‌های بالادستی صنعت نفت و گاز. دومین همایش بیمه در نفت و گاز و پتروشیمی، تهران، ۴ و ۵ مهر.
۲. استیونس پل، ۱۳۹۰، *اقتصاد انرژی*. مترجمین علی طاهری فرد، جعفر حسینی، و جلال دهنوی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳. امانی، م، ۱۳۸۹. *حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. بیات، ع.ا، ۱۳۸۸. بررسی عوامل مؤثر در تحکیم روابط بین دو بخش بیمه و انرژی. دومین همایش بیمه و مدیریت ریسک در نفت، گاز و پتروشیمی، ۴ و ۵ مهرماه، مرکز همایشهای بین‌المللی صدا و سیما، تهران.

۵. پناهی آزاد، م.، مسعودنیا، م.، کشوری، م. و فهندژسعدی، س.، ۱۳۹۱. بررسی نقش و ساختار بیمه در مدیریت ریسک‌های صنایع نفت و گاز و پتروشیمی. دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست، تهران.
۶. جاویدی، م.، ۱۳۹۲. جایگاه سیره عقلاء در فقه جزایی امامیه. فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی. سال نهم، شماره سی و سه، صص ۳۵-۵۴.
۷. جوادی آملی، ع.ا.، ۱۳۸۰. مالکیت معادن ملی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال اول، شماره ۳، صص ۴۷-۵۴.
۸. الحرّ العاملی، م.، ۱۳۷۶ ق. وسائل الشیعه، تحقیق و تصحیح: الشیخ عبدالرحیم الربانی الشیرازی. تهران: چاپخانه اسلامی.
۹. حقدار، ع.ا.، ۱۳۷۴. نقش زمان و مکان در احکام، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام(ره). ج ۷. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
۱۰. حلی، ح.، (علامه حلی) ۱۴۱۳ق. کشف الفوائد، فی شرح قواعد العقائد، تحقیق حسن مکی العاملی. بیروت: دارالصفوه.
۱۱. خمینی، ر.ا.، ۱۴۱۵ق. البیع، النشر الاسلامی. جامعه مدرسین قم.
۱۲. درخشان، م.، ۱۳۸۹. توسعه پوشش‌های بیمه ای در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی. مجله گستره انرژی، سال چهارم، شماره ۴۵.
۱۳. ساکی‌زاده، م.، ۱۳۹۲. لزوم تعامل مؤثرتر بیمه با صنعت نفت و گاز. ماهنامه علمی-ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۰۴.
۱۴. سعدی، ح.ع.، ۱۳۸۸. بررسی انفعال در عصر غیبت با تکیه بر مسائل مستحدث. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
۱۵. صدر، م.ب.، ۱۹۸۷ میلادی. اقتصادنا. ج بیستم، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۶. طباطبایی، م.ح.، ۱۴۱۷ ق. المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۷. عاملی، ز. (شهید ثانی)، ۱۴۱۶ق. مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه معارف اسلامی.

۱۸. غزالی، ا.، ۱۴۱۷ ق. *المستصفی من علم الاصول*. بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۹. فراهانی فرد، س.، ۱۳۸۵. بهره برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۱، بهار، صص ۱۱ - ۴۴.
۲۰. قدیر م. و ساریخانی، ع.، ۱۳۹۰. احکام حکومتی و مصلحت در فقه شیعه. فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۳۵، صص ۷۳ - ۹۰.
۲۱. الکرکی، ع. (محقق کرکی)، ۱۴۰۸ ق. *جامع المقاصد*. چاپ اول، قم: موسسه آل البيت.
۲۲. کلینی، م.، ۱۳۸۱ ق. *الکافی*. ج ۱، تهران: مکتبه الصدوق.
۲۳. مظاهری، ح.، ۱۳۶۷. *احکام اقتصادی اسلام در مورد زمین*. قم: حوزه علمیه.
۲۴. نجفی، م.ح.، (صاحب جواهر)، ۱۴۱۲ ق. *جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام*. بیروت: مؤسسه المرتضی العالمیه - دارالمورخ.
25. Dezhi Peng, D., 1993. Insurance and legal issues in the oil industry. Kluwer Academic Publishers Group.
26. Fossli, B. and Sangesland, S., 2002. Managed pressure drilling for subsea applications; well control challenges in deep waters. Proc., 14th Deep Offshore Technical Conference, New Orleans.
27. Imran, M., 2013. *A critical review of an improved well control procedure for the prevention of blowouts.*, Dalhousie University, Faculty of Engineering, Halifax, Nova Scotia, for the degree of MEng in Petroleum Engineering.
28. *MACONDO Report*, 2011. Well Blowout, Regarding The Causes of the April 20, 2010, The Bureau of Ocean Energy Management.
29. Mohammadfam I., 2010. Application of safety signs in controlling the rate of unsafe behaviors. *Iranian Journal of Military Medicine*, 12(1), pp. 39-44.
30. Noussia, K., 2012. Environmental Pollution Liability and Insurance Law Ramifications in Light of the Deepwater Horizon Oil Spill. In *The Hamburg Lectures on Maritime Affairs 2009 & 2010* (pp. 137-176). Springer Berlin Heidelberg.
31. Opec, 2015. Annual Statistical Bulletin.
32. Quanmin, Z., Hong, Z. and Jianchun, F., 2011. Human factor risk quantification for oil and gas drilling operation. *Procedia Engineering*, 18, pp. 312-317.
33. Sharp, D.W. 2010. *Offshore oil and gas insurance*. London: witherby.